

Islamic Denominations

Vol. 10, No. 20, March 2024, 211-240

(DOI) 10.22034/JID.2023.275743.2166

The Islamic Unity in Thought and Performance of Ayatollah Hashemi Rafsanjani

Mahmoud Zakavat¹

Ali Aghanoori²

Shahaboddin Vahidi Mehrjerdi³

(Received on: 2022-8-31; Accepted on: 2023-4-24)

Abstract

Unity, unification, and approximation of Islamic denominations are a reformative legacy of the contemporary history of Islamic societies. While the first manifestations of Islamic approximation and unity can be found in the early and medieval Islamic centuries, they were underscored by elites and scholars of the Islamic world in the contemporary era, with significant contributions from religious-political elites. Ayatollah Akbar Hashemi Rafsanjani is among the contemporary religious-political elites who exerted tremendous efforts for Islamic unity and unification. This article explores Hashemi Rafsanjani's views and practices regarding the unity and approximation of Islamic denominations before the triumph of the Islamic revolution. The article adopts a descriptive-analytic method and focuses on library studies. While Hashemi had epistemic foundations in mind for the unification and approximation of Islamic denominations, he largely saw approximation as a political project to combat colonial and Western governments. Moreover, the main pivot of Muslim unity for him, like many other religious-political elites particularly since the 1950s, was the problem of Palestine and the Muslim unity to liberate Palestine.

Keywords: Islamic unity, approximation of Islamic denominations, Ayatollah Akbar Hashemi Rafsanjani, Pahlavi era, Palestine.

1. PhD student, History of Twelver Shiism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (corresponding author). Email: m.zakavat@urd.ac.ir

2. Associate professor, Department of History, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.
Email: aghanoori@religionsin.com.

3. Associate professor, Department of Islamic Philosophy and Wisdom, University of Meybod, Yazd, Iran.
Email: vahidi@meybod.ac.ir

وحدت اسلامی در اندیشه و عملکرد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی^۱

محمود ذکاوت^۲

علی آقانوری^۳

شهاب‌الدین وحیدی مهرجردی^۴

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۴]

چکیده

اتحاد، وحدت و تقریب مذاهب اسلامی یکی از میراث‌های اصلاحی در تاریخ معاصر جوامع اسلامی است. اگرچه نخستین نمودهای مسئله تقریب و اتحاد را می‌توان در سده‌های نخستین و قرون میانه اسلامی دید، این مهم نتیجه اندیشه‌های نخبگان و علمای جهان اسلام در دوره معاصر است که نخبگان دینی - سیاسی سهم مهمی در تحقق این میراث داشتند. آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی از جمله نخبگان دینی - سیاسی معاصر است که تلاش زیادی در زمینه اتحاد و وحدت اسلامی داشت. مقاله حاضر دیدگاه و عملکرد هاشمی رفسنجانی در زمینه وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در دوران پیش از انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند. این مهم با روش توصیفی - تحلیلی و با تمرکز بر مطالعات کتابخانه‌ای بررسی شده است. هاشمی اگرچه برای اتحاد و تقریب مذاهب اسلامی بنیان‌های معرفتی در نظر داشت، بیش از هر چیز تقریب را پروژه‌ای سیاسی برای مقابله با دولت‌های استعماری و غربی می‌دید. از سوی دیگر مهم‌ترین مسئله قاموس وحدت و اتحاد مسلمین برای وی همچون دیگر نخبگان دینی - سیاسی به‌ویژه از دهه ۱۳۳۰ به بعد، مسئله فلسطین و اتحاد مسلمانان برای رهایی آن بود.

کلیدواژه‌ها: وحدت اسلامی، تقریب مذاهب، آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی، عصر پهلوی، فلسطین.

۱. این مقاله برگرفته از: محمود ذکاوت، «نقش نخبگان سیاسی - دینی در تقریب مذاهب و وحدت اسلامی با مطالعه موردی دیدگاه‌ها و عملکرد آقای اکبر هاشمی رفسنجانی در زمینه وحدت و تقریب مذاهب اسلامی»، رساله دکتری،

استاد راهنما: علی آقانوری، دانشکده تاریخ، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۴۰۲، است.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع اثنی عشری، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

m.zakavat@urd.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، aghanoori@religionsin.com

۴. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه میبد، یزد، ایران، vahidi@meybod.ac.ir

۱. طرح مسئله

وحدت و اتحاد اسلامی

مفهوم وحدت و تقریب همچون دیگر مفاهیم دینی، سیاسی و اجتماعی، طیفی از معانی را به ذهن متبادر می‌کند؛ از همبستگی، هم‌گرایی در یک امر تا تقریبی اساسی بین اصول و ارکان مذاهب، همچنین حذف اختلاف‌ها و تمایزهای مذهبی و ادغام یا گزینش یکی از مذاهب، همه ذیل معنای وحدت و تقریب مذاهب قرار می‌گیرد (نک: اردوش، ۱۳۹۳: ص ۳۲ - ۳۲۷۲؛ حسینی، ۱۳۸۸: ص ۲۵ - ۲۷).

«وحدت» و «تقریب مذاهب اسلامی» به مثابه عرصه‌ای برای هم‌افزایی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مسلمانان در تاریخ جوامع اسلامی مورد توجه بوده است. اگرچه این مهم در دوره معاصر واکنشی به استعمار غرب بود (اردوش، ۱۳۹۳: ص ۲۱۰)، با این وجود وحدت و تقریب ریشه در تعالیم قرآن، سیره نبوی و سیره ائمه معصومین دارد (آقائوری، ۱۳۸۸: ص ۱۲۴ - ۱۷۶). از سوی دیگر در دنیای کنونی و با رشد جریان‌های افراطی، اهمیت تقریب مذاهب و وحدت اسلامی بیش از پیش موضوعیت پیدا کرده است؛ همچنین وحدت اسلامی یکی از اهداف راهبردی انقلاب اسلامی است که جمهوری اسلامی ایران همواره بر آن تأکید دارد و از جمله راهبردهای سیاست خارجی ایران در این دوره قرار گرفته است. در دوره معاصر با عمده‌شدن اندیشه اصلاحی در جوامع اسلامی و به طور خاص در ایران، «اتحاد مسلمین» برای گروهی از علما و نخبگان شیعه مهم شد؛ سید جمال‌الدین اسدآبادی برجسته‌ترین شخصیت اصلاحی میان این گروه از نخبگان اصلاحی بود. او جریانی را ایجاد کرد که تا روزگار کنونی نیز ادامه یافته است. اتحاد مسلمین علیه کشورهای استعماری و متجاوز، استراتژی او بود؛ البته تقریب و وحدت در دیدگاه او تنها یک راهبرد سیاسی نبود، بلکه او مستند به قرآن و با تکیه بر استدلال‌های بنیادین، مسئله وحدت و تقریب را تبیین می‌کرد. این روند با شدت و ضعف ادامه داشت تا فرهنگ و سیاست

اصلاحی در ایران معاصر، از دهه ۱۳۲۰ به بعد جدی‌تر شد؛ در نهایت امام خمینی (ره) با نهضت اسلامی، موج جدید این جریان را رهبری کرد.

مفهوم نخبگان دینی - سیاسی

معمولاً برای نشان دادن تلاش‌های شیعیان در دوره معاصر در زمینه وحدت و تقریب مذهب به عملکرد و دیدگاه علما و مراجع شیعه توجه می‌شود. با این وجود در عرصه مورد نظر افزون بر تلاش‌های علما و مراجع، باید به میراث قشری دیگران از نخبگان جوامع شیعی نیز توجه کرد. نگارنده این گروه از نیروهای اجتماعی را با اصطلاح «نخبگان دینی - سیاسی» متمایز می‌کند. مفهوم «نخبگان دینی - سیاسی» اصطلاحی است که در جوامع غرب آسیا (خاورمیانه‌ای) بیشتر معنا پیدا می‌کند. مراد نویسنده از این اصطلاح، اشاره به آن دسته از رجالی است که در مرتبه نسبتاً بالایی از تحصیلات و آگاهی دینی هستند و با این وجود امر «سیاسی» را با قبول مسئولیت‌های سیاسی در قامت مبارزه یا مسئولیت‌پذیری در نهادهای قدرت یا مقاومت دنبال می‌کنند. نخبگان دینی - سیاسی بازیگر عرصه سیاست‌اند و با اهتمام در زمینه نظری و تئوریک و نظریه‌پردازی تقریب و با اقدام‌های عملی در این راستا قادر خواهند بود در جهت تحقق این مهم تأثیرگذار باشند. به عبارت دیگر آنها قادرند هم‌زمان هم در بعد نظریه و هم در زمینه عملی و اقدام اجتماعی در تقریب مذاهب و وحدت اسلامی تأثیرگذار باشند (اسعدی، ۱۳۷۶: بیشتر صفحات). از جمله نخبگان دینی - سیاسی که در مسئله تقریب و وحدت مذاهب اسلامی در دروان معاصر تأثیر جدی داشته است، آیت‌الله اکبر هاشمی بهرمانی (رفسنجانی) است. روحانیون نهضتی عنوان دیگری برای گروهی از نخبگان دینی - سیاسی است که در جریان مبارزه‌های امام خمینی (ره) در دوره معاصر به ظهور رسیدند؛ هاشمی رفسنجانی نقش

مهمی در سامان‌دهی دیدگاه‌ها و عملکرد آنها داشت، به‌ویژه با راه‌اندازی نشریه «مکتب تشیع» توانست روحانیون نهضتی و دغدغه‌های آنان را معرفی کند.

این نوشتار جزئی از پژوهش کلانی است که در نظر دارد دیدگاه‌ها و عملکرد تقریبی و وحدتی هاشمی رفسنجانی را بررسی کند و تمرکز مسئله مقاله بر دیدگاه‌ها و عملکرد تقریبی و وحدتی هاشمی رفسنجانی تا پیروزی انقلاب اسلامی است. چالش پژوهش حاضر نیز در همین مسئله نهفته است؛ چراکه بیشتر دیدگاه‌های سازمان یافته آیت‌الله هاشمی مربوط به دوران انقلاب اسلامی و در عصر جمهوری اسلامی است. با این وجود ریشه‌های این دیدگاه‌ها را می‌توان در دوران جوانی ایشان و در روزگار پیش از انقلاب یافت. مقاله حاضر بر این دوران متمرکز شده و درصدد است مسئله مورد نظر را در آن دوران بررسی کند.

با توجه به توضیح فوق، هدف این مقاله شناخت دیدگاه و مبانی نظری آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی و عملکرد وی در زمینه وحدت اسلامی، از نخستین نمودها تا انقلاب اسلامی است. برای چنین مسئله‌ای از روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ یعنی بخش زیادی از توجه مقاله وابسته به آثار هاشمی و خاطرات وی مربوط به دوران پیش از انقلاب است و با تمرکز بر آنها، میراث هاشمی در زمینه وحدت و تقریب را بررسی می‌کند.

مهم‌ترین پرسش این مقاله آن است که مؤلفه‌ها و بنیان‌های تقریب و وحدت اسلامی در اندیشه و عملکرد هاشمی رفسنجانی تا انقلاب اسلامی چیست؟ همچنین در همین راستا به پرسش زیر پاسخ داده خواهد شد که با توجه به مسئله فوق، هاشمی رفسنجانی پیش از انقلاب اسلامی در حوزه وحدت اسلامی و تقریب مذهب چه عملکرد و اقدام‌هایی داشت؟ اهمیت این تحقیق از این حیث نیز قابل ملاحظه است که تاکنون تحقیق مستقلی درباره دیدگاه‌ها و عملکرد تقریبی و وحدتی آیت‌الله هاشمی انجام نشده است؛

از این رو مقاله حاضر نخستین تجربه علمی - پژوهشی در این باره است. وجه دیگر نوآوری این مقاله، تمرکز بر نگاه‌های مکتوب هاشمی و افعال وی در این راستاست.

۲. زندگی در دوره پرتلاطم

جامعه ایران در سال‌های دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، رخداد‌های سیاسی - اجتماعی متعددی را تجربه کرد که هر کدام برای سیاسی‌کردن اقشار مختلف مردم کافی بود. اکبر هاشمی بهرمانی (رفسنجانی) در سال ۱۳۲۷ و در چهارده سالگی با هدف ادامه تحصیل در حوزه علمیه، از کرمان به قم آمد. در این میان جریانی از روحانیت متأثر از گفتمان اندیشه اصلاحی و در تداوم جریان مقاومت در دوره پهلوی اول، فعالیت در عرصه عمومی و اجتماعی را جزء کارها و وظایف اصلی خود تعریف کرده بودند. رهایی سیاسی در دهه ۱۳۲۰، فضای سیاسی - اجتماعی ایران را دگرگون کرد. اعتراض مردمی به تشییع جنازه رضاشاه در قم، مسائل مربوط به ملی شدن نفت، فدائیان اسلام، ماجراهای آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق و ... جامعه را در حرکت تدریجی به سوی نوعی بیداری دینی - اجتماعی کشاند. اکبر هاشمی در این دوره طلبه‌ای جوان بود و در چنین وضعیت و شرایطی در حوزه علمیه قم رشد کرد. در چنین وضعیتی جریان‌هایی در حوزه علمیه قوت گرفتند که دغدغه‌های سیاسی - اجتماعی داشتند و به دنبال این دغدغه‌ها درصدد تغییر در مناسبات دینی و سیاسی مرسوم بودند.

در دهه ۱۳۴۰ با ورود امام خمینی (ره) به مناسبات قدرت و سیاست در ایران، گروهی از طلاب و روحانیان قم نیز به تاسی از ایشان وارد این کارزار می‌شوند. بدیهی است این جریان به شدت تحت تأثیر آرا و اندیشه‌های امام خمینی بودند؛ با وجود این بخشی از روحانیون مورد نظر ذیل نخبگان دینی - سیاسی قرار می‌گیرند که در مسائل مختلف صاحب رأی و

اهل‌کنش‌ها و اجتهادی‌های شخصی می‌باشند؛ هاشمی ذیل این جریان تعریف می‌شود. در ادامه با توجه به آثار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مهم‌ترین رویکردهای وحدتی ایشان بازگو خواهد شد؛ همچنین به این مسئله پاسخ خواهیم داد که هاشمی در دوران پیش از انقلاب اسلامی، وحدت، اتحاد و تقریب را چگونه می‌دید؟

فهم و شناخت دقیق رویکرد آیت‌الله هاشمی به مسئله تقریب و وحدت اسلامی قبل از انقلاب اسلامی با تأمل در آثار ایشان دست‌یافتنی است. اگرچه در این میان توجه به اقوال وی در نظر دیگران نیز مهم است، تحقیق حاضر بیشتر توجه خود را معطوف به آثار هاشمی در دوره زمانی مورد نظر کرده است. بنابراین در ادامه با تمرکز بر آثار وی در دوران پیش از انقلاب اسلامی نظیر نشریه «مکتب تشیع»، سرگذشت فلسطین یا کارنامه استعمار سیاه، نشریه «بعثت» و امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار، دیدگاه‌های وی در زمینه مسئله مورد نظر بررسی خواهد شد؛ همچنین با توجه به خاطرات وی و اسناد مختلف، عملکرد هاشمی درباره تقریب و وحدت اسلامی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

نشریه «مکتب تشیع» از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۳ ابتدا به صورت فصل‌نامه و در ادامه به شیوه سال‌نامه در سیزده شماره منتشر شد. هاشمی رفسنجانی، محمدجواد باهنر و سیدمحمدباقر مهدوی مؤسسان آن بودند. نخستین شماره «مکتب تشیع» در ده‌هزار نسخه به چاپ رسید و در خرداد همان سال در پنج‌هزار نسخه دیگر تجدید چاپ شد. نشریه در بردارنده مطالب مهمی در زمینه اندیشه و تاریخ اسلام و تشیع بود؛ همچنین بخش مهمی از مقالات نشریه به مسائل روز و وضعیت معاصر مسلمانان اختصاص داشت. این مجله نخستین منبعی است که ایده‌ها و مبانی نظری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به دست می‌دهد و می‌توان مسئله تقریب و وحدت اسلامی را در مطالب مختلف این نشریه جستجو کرد (جعفریان، ۱۳۸۲: ص ۱۰۵؛ حسینیان، ۱۳۹۱: ص ۴۲۹).

۳. اندیشه و عملکرد تقریبی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

توجه به سیره و عملکرد شخصیت‌های تقریبی

مسئله وحدت و تقریب مذاهب اسلامی از همان ابتدا و در نشریه «مکتب تشیع» مورد توجه هاشمی و دوستانش قرار گرفت. به طور خاص سیاست نادرشاه افشار در مسئله وحدت و تلاش او برای تفاهم مذاهب خمسه اسلامی ارج نهاده شد و سید جمال‌الدین اسدآبادی در جایگاه الگو معرفی شد (مکتب تشیع، ۱۳۳۹: ص ۱۳ - ۱۴؛ مکتب تشیع، ۱۳۴۳: ص ۱۳۰ - ۱۶۰). سید جمال مهم‌ترین شخصیت تقریبی مورد توجه نخبگان دینی - سیاسی در حوزه تقریب مذاهب و وحدت است. هاشمی بعداً در کتاب امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار نیز تلاش‌های سید جمال را مورد توجه قرار داد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۴۶: ص ۷). حتی همین نکته که سیره امیرکبیر مورد توجه هاشمی است، با توجه به جایگاهی است که شخصیت‌ها و رجال با دیدگاه تقریبی در نظرگاه هاشمی داشتند. نشریه «مکتب تشیع» نظر همدلانه خود با تأسیس «دارالتقریب» آیت‌الله بروجردی را نشان می‌دهد و سرآغاز یکی از شماره‌های این نشریه به توضیح درباره این نهاد تقریبی اختصاص می‌یابد (مکتب تشیع، ۱۳۳۹ الف: ص ۲ - ۱۲). «دارالتقریب» با ابتکار شیخ محمدتقی قمی و با پشتیبانی آیت‌الله بروجردی و علمای اهل سنت تأسیس شد (شاکر سلماسی، ۱۳۹۷: ص ۴۴). در شماره دیگر این مجله، ویژه‌نامه‌ای درباره فقدان آیت‌الله بروجردی منتشر می‌شود. در آنجا به اهمیت مسئله تقریب و وحدت بین فرقه‌های اسلامی در نظر این مرجع اشاره می‌شود و توجه ایشان به این مسئله را حتی در لحظات پایانی عمرشان یادآور می‌شوند و به نقل از آیت‌الله بروجردی اظهار می‌دارد: «امید داریم این تقریب به توحید مبدل گردد» (مکتب تشیع، ۱۳۴۰: ص ۲۷). نزد نشریه «مکتب تشیع»، رویکرد آیت‌الله بروجردی مانند دیگر شخصیت‌های تقریبی مورد توجه است.

این موضوع فقط به خاطر نشان کردن تلاش‌های علمای شیعه و ایرانی محدود نمی‌شود، حتی تلاش‌ها و اقدام شیخ شلتوت درباره تقریب و وحدت اسلامی نیز مورد اهتمام است (مکتب تشیع، ۱۳۳۹ب: ص ۲۶۶)؛ بنابراین در گام نخست آنچه در نظرگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به طور خاص و دیگر روحانیون نهضتی و نخبگان دینی - سیاسی به طور عام در زمینه وحدت اسلامی مورد نظر است، توجه به میراث و عملکرد شخصیت‌های تقریبی است.

اندیشه اصلاحی هاشمی

ایده‌ها و اندیشه‌های هاشمی رفسنجانی در تداوم جریان اصلاحی جهان اسلام است؛ با این تفاوت که هاشمی و گروهی از روحانیون انقلابی که به نوعی در صدد تحقق «نهضت» بودند، همه اصول و چارچوب‌های جریان اصلاحی غالب را نمی‌پذیرفتند. با وجود آنکه جریان‌های اصلاحی به ویژه گروه تجدیدنظرطلب همواره با مرجعیت شیعه زاویه داشتند، جریان روحانیون نهضتی و هاشمی چنین رویکردی نداشتند. هاشمی در مقاله‌ای با عنوان «شیعه و مرجعیت» به جایگاه مرجعیت نزد شیعه پرداخت و چگونگی انتخاب مرجع در روزگار کنونی را تشریح کرد (مکتب تشیع، ۱۳۴۰: ص ۳۶۳ - ۳۷۴). توجه هاشمی به مسئله مرجعیت، رویکرد و تفاوت دیدگاه وی با جریان اصلاحی را نشان می‌دهد که همواره رویکردی انتقادی به جایگاه مرجعیت داشت. به طور کلی هاشمی جزء گروهی از نخبگان دینی - سیاسی حوزه بود که ضمن توجه به اندیشه اصلاحی در حوزه دین، به باورهای شیعه اعتقاد عمیق داشت؛ بر همین اساس به مسئله فدک در نشریه «مکتب تشیع» پرداخت (مکتب تشیع، ۱۳۴۳: ص ۳۲۷ - ۳۵۵)؛ همچنین در مطلبی با عنوان «رخنه‌ای در مرز تعصب» که مدخلی بر مقاله

استاد مرتضی عسکری است، از اثر و دیدگاه او حمایت می‌کند و مسئله تحریف‌های تاریخ اسلام درباره شیعه را گوشزد می‌نماید (مکتب تشیع، ۱۳۴۱: ص ۳۰۰ - ۳۰۳). در مقاله‌ای دیگر دیدگاه‌های منکران معجزه را دسته‌بندی می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد (مکتب تشیع، ۱۳۴۱: ص ۳۰۳).

هاشمی معتقد بود دلیل زوال اسلام و حاکمیت‌های آنچنانی امویان و عباسیان، نارسایی‌هایی معرفتی و پیرایه‌هایی است که به اسلام بسته شده و متغیر زمان در بسیاری از موارد نادیده گرفته شده است. با وجود این راه اصلاح گذشته‌گرایش به یک راه انحرافی جدید نیست (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ص ۲۵۰). مراد هاشمی از انحراف، انتقادهای تند جریان تجدیدنظرطلب علیه شعایر، مناسک و اصول مذهب شیعه است.

هاشمی همان‌طور که در سیره امیرکبیر جستجو کرده بود، ریشه مشکلات را فساد در دولت می‌دانست و تنها راه را رفرم واقعی در جمیع شئون کشور می‌دانست (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۴۶: ص ۵۸). در این میان هاشمی، اصلاح داخلی را در گرو مبارزه با استعمار و کوشش برای طرد استعمار و مبارزه با کارشکنی استعمارگران می‌دانست (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۴۶: ص ۵۹). هاشمی در همین راستا سیاست‌های دینی امیرکبیر را مقابله با بدعت‌ها و همسو با روحانیت و شعایر اسلام معرفی و آن را روی دیگر سیاست‌های استعمارستیزانه وی می‌داند و او را مسلمانی انقلابی معرفی می‌کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۴۶: ص ۱۵ - ۱۶ و ۱۱۸). در گفتار هاشمی، امیرکبیر درک کرده بود نیروی عظیم دین میان ملت مسلمان شیعه، می‌تواند در مقابل هجوم و حمله استعمار سد محکمی باشد، به شرط آنکه از آلودگی‌ها و مفاسدهای میرا باشد که استعمار بر سر راه آن قرارداد است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۴۶: ص ۱۶۳). در دیدگاه هاشمی، مذهب همان‌طور که حلقه وصل ملت‌های مختلف است، اگر مورد طمع نیروهای استعماری

قرار بگیرد، می‌تواند منجر به اختلاف و تفرقه نیز گردد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۴۶: ص ۲۴۲). وی حتی در تفسیر رهنما ذیل آیه ۶۰ سوره «بقره»، یکی از نکته‌های نهفته در این آیه را ضرورت از میان بردن زمینه‌های بروز اختلاف‌های اجتماعی می‌داند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹: ص ۱۷۷ - ۱۷۸).

با این وجود هاشمی تأکید دارد «درک اجتماعی» جزء مهم‌ترین مبانی علم و معرفت دینی است که علمای شیعه باید به آن مسلح باشند و در صورتی که مرجعی این دانش را نداشته باشد، مطرود است و به درد نمی‌خورد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳: ص ۵۶۲). مراد هاشمی از درک اجتماعی، فهم شرایط سیاسی و اجتماعی وقت به طور عام و همدلی وحدتی و تقریبی با جهان اسلام به طور خاص است.

اهتمام به مسائل مشترک کشورهای اسلامی (امت اسلام)

در اندیشه نخبگان دینی - سیاسی و به طور خاص آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، وحدت، اتحاد و تقریب ملت‌های اسلامی عرصه‌ای برای حل مشکلات آنها و مسائل مشترک بین آنهاست. در روزگار وقت بین ایران و مصر به دلایل مختلفی، نگرانی‌های فرهنگی و سیاسی ایجاد شده بود.^۱ در دیدگاه روحانیون نهضتی و هاشمی رفسنجانی، بازخوانی دیدگاه‌ها و عملکرد شخصیت‌های تقریبی ایران و مصر و میراث آنها می‌توانست به رفع کدورت بین ایران و مصر نیز منجر شود. به عبارت دیگر در دیدگاه‌های تقریبی و وحدتی هاشمی، وجه سیاسی وحدت کشورهای اسلامی و رفع اختلاف آنها نیز مورد اهتمام است. در نشریه پیش‌گفته حتی مسائل مشترک کشورهای اسلامی نظیر عقب‌ماندگی علمی، الگوی پیشرفت، مسائل جوانان نیز مرور توجه بود (مکتب تشیع، ۱۳۴۰: ص ۲۵۵ - ۲۸۰). هاشمی این نگاه و مسئله را در کتاب امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار نیز دنبال کرد. در واقع

در نگاه هاشمی کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای منطقه، مسائل مشترکی داشتند که با یک وحدت و همدلی و اشتراک تلاش‌گرانه می‌توانند مسائل خود را دریا بند و برای حل آن چاره‌ای بیندشند. به عبارت دیگر وحدت و تقریب مذاهب میان مسلمانان ضرورتی است که می‌تواند مشکلات و مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آنان را حل کند. در این میان ام‌المسائل جهان اسلام، استعمار بود.

از جمله دیدگاه‌های تقریبی و وحدتی در نگاه نخبگان دینی - سیاسی، توجه به عرصه امت و تأکید بر یک‌تانه‌بودن امت اسلامی است. در دیدگاه آنان به ویژه هاشمی رفسنجانی، اسلام وجود ملت‌های مختلف را بر آن اساس که دیگران تصور می‌کنند به آسیا و اروپا، آفریقا و آمریکا تقسیم نمی‌کند و همه را از نظر حقوق انسانی به یک چشم می‌نگرد؛ همچنین ریشه ملیت را عقیده می‌داند و به هر اندازه که مردم از نظر ایمان و عقیده قوی‌تر باشند، محترم‌اند. در چنین نگاهی مرزهایی که بین کشورهای اسلامی فاصله انداخته‌اند، از نظر روح اسلامی تصویب نمی‌شود و اسلام، تمام مسلمانان عالم را یک ملت و به تمام معنا واحد و یگانه می‌بیند. در این نگاه حقوق همه واحد، مرز واحد، منافع و حدود یکی و دشمن مشترک است (مکتب تشیع، ۱۳۴۰: ص ۲۹۹ - ۳۰۰). هاشمی رفسنجانی در سخنرانی خود در دی ماه ۱۳۴۸ در مسجد تجریش نیز بر این مسئله تأکید داشت که «دین اسلام مرز جغرافیایی مشخصی ندارد. کشورهای مسلمین شامل وطن تمام مسلمانان جهان است. این سرزمین‌ها به منزله سرزمین همه مسلمانان است» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳: ص ۲۳).

نقد رویکرد اختلاف‌افکن و توجه به زمینه‌ها و ریشه‌های اختلاف

در دیدگاه‌های هاشمی رفسنجانی به تقریب و وحدت اسلامی، افزون بر پرداختن به رویکرد ایجابی، به رویکردهای سلبی، رقیب و در اصطلاح اختلاف‌افکن نیز پرداخته

می‌شود. به عبارت دیگر با نقد نگاه‌های سلبی به وحدت، بر اتحاد تأکید می‌شود. در نشریه «مکتب تشیع» آمده است: «فکر اتحاد اسلامی به همان اندازه که عالی و مقدس است، دشمنانی سرسخت هم دارد که از داخل و خارج زمینه را برای نابودکردن آن فراهم می‌سازند؛ فکر اتحاد اسلامی، چه از داخل و چه از خارج، مواجهه با کارشکنی‌های ناجوانمردانه‌ای بوده که خواه و ناخواه راه پیشرفت آن را دشوار می‌سازد... باید دید که چرا از میان خود ملت‌های اسلامی، اشخاص مغرض، دانسته و ندانسته، آلت سیاست‌های شوم خارجی شده یا تحت تأثیر تعصب ناروای مذهبی قرار می‌گیرند» (مکتب تشیع، ۱۳۳۹ ب: ص ۱۴ - ۱۵).

هاشمی رفسنجانی به صراحت اختلاف در ممالک اسلامی و دوری از معارف اسلامی را سبب تجزیه و در ادامه سقوط دولت‌های اسلامی می‌داند (مکتب تشیع، ۱۳۴۲: ص ۲۲۷ - ۲۳۰). «مکتب تشیع» بزرگ‌ترین علت جدایی فرقه‌های مسلمانان از یکدیگر را در آن می‌داند که عالم تسنن هنوز درست با طرز فکر و چگونگی عقاید شیعه آشنا نیستند (مکتب تشیع، ۱۳۳۹ ب: ص ۱۳ - ۱۶). در ادامه نتیجه می‌گیرد اگر ما جامعه شیعه را آن‌طور که هست معرفی کنیم، بزرگ‌ترین قدم را در راه ایجاد حسن تفاهم و رفع بدبینی و خنثی نمودن تبلیغات مغرضین برداشته‌ایم (مکتب تشیع، ۱۳۳۹ ب: ص ۱۳ - ۱۶). در قاموس نخبگان دینی - سیاسی، به ویژه هاشمی و روحانیون نهضتی در نشریه «مکتب تشیع»، چنین رویکردی موجب نزدیکی صمیمانه مسلمانان می‌شود. آنها اذعان می‌کنند همواره کج فهمی‌های مسلمانان بیش از اقدامات نیروهای استعماری در دامن زدن به اختلاف میان آنها نقش داشته است (مکتب تشیع، ۱۳۳۹ ب: ص ۱۳ - ۱۶). هاشمی رفسنجانی نکته اساسی در مسئله وحدت و تقریب مذاهب را به جنبه‌های درون شیعی سوق می‌دهد و به نوعی نقد داخلی را بر تبیین خارجی ترجیح می‌دهد. وی این مسئله خاص را نیز مورد توجه قرار داد. هاشمی تصریح دارد

اختلاف‌های مذهبی میان شیعه و سنی توسط استعمار مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۴۶: ص ۲۵۴).

هاشمی اذعان دارد اختلاف در ممالک اسلامی و دوری از معارف اسلامی باعث تجزیه و در ادامه سقوط دولت‌های اسلامی شد (مکتب تشیع، ۱۳۴۲: ص ۲۲۷ - ۲۳۰). اختلاف بین شیعه و سنی از زمان شاه عباس و در تقابل با عثمانی‌ها رواج یافت. وی این گزاره که گفته‌اند یک یهودی یا نصارا هزارمرتبه بهتر از اهل سنت است، محصول همان دوره و نیازی می‌بیند که صفویان به حمایت‌های اروپاییان در تقابل با عثمانی‌ها داشتند. هاشمی تأکید می‌کند چطور یک نفر یهودی که با تمام قوا اسلام را می‌کوبد، بهتر از یک نفر چریک سنی است که خداوند و پیغمبر را قبول دارد؟ (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۹۳: ص ۵۵۹ - ۵۶۰). به عبارت دیگر در دیدگاه هاشمی‌رفسنجانی، اختلاف شیعه و سنی حاصل پروژه‌ای سیاسی است که بخشی از آن توسط برخی از دولت‌های شیعه در تقابل با دولت‌های سنی ایجاد شده است؛ همچنین در نگاه وی شناخت نداشتن صحیح اهل سنت از تعالیم شیعیان این مسئله را تشدید کرده است و مهم‌ترین دولت‌های استعماری به شیوه‌های مختلفی به این شکاف دامن زده و آن را تشدید می‌کنند (مکتب تشیع، ۱۳۴۲: ص ۲۲۷ - ۲۳۰).

مقابله با استعمار و استکبار

خاطر نشان شد از جمله عرصه‌های مورد اهتمام هاشمی‌رفسنجانی در حوزه تقریب و وحدت اسلامی، توجه به نقش استعمار و دولت‌های استعماری در ایجاد خلل در روابط میان ملت‌های مسلمان و نفوذ میان آنان برای ایجاد شکاف است. این مسئله در نشریه «مکتب تشیع» در مقاله «همبستگی داخلی و مراقبت در روابط خارجی» مورد

توجه قرار گرفت (مکتب تشیع، ۱۳۴۲: ص ۳۷ - ۴۹). همچنین هاشمی اذعان می‌دارد نگارش امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار بعد از مطالعه کتاب میراث خوار استعمار اثر مهدی بهار برایش حاصل شد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ص ۲۲۴). همان‌طور که از عنوان این اثر هاشمی نمایان است، مسئله اصلی کتاب رویکرد ضد استعماری امیرکبیر است؛ مسئله مبارزه با قدرت‌های استعماری که در نظرگاه نخبگاه دینی - سیاسی عمده بوده و هست؛ به طوری که هرگونه اختلاف سیاسی و عقیدتی هیچ رجحانی در برابر اهمیت مسئله مبارزه ندارد. در آن دوره، جبهه فلسطین کانون مبارزه با استعمار بود. بدیهی بود که توجه به این مسئله در نظر نخبگان دینی - سیاسی به ویژه هاشمی عمده باشد. جایگاه ویژه مبارزان الجزایر در دیدگاه هاشمی نیز از این مسئله سرچشمه می‌گرفت. به بیان دیگر یکی از عوامل برجستگی مسئله فلسطین و رویکرد وحدتی هاشمی به آن، جایگاهی بود که مسئله پیش‌گفته در مسئله مبارزه با استعمار داشت. هاشمی همواره تأکید داشت استعمار راضی به ترقی مسلمانان نیست (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳: ص ۶۰۳).

تقریب بین‌الادیانی

هاشمی رفسنجانی و دیگر نخبگان دینی - سیاسی و روحانیون نهضتی، مسئله تقریب را تنها عرصه‌ای برای هم‌افزایی بین مسلمانان نمی‌دیدند، بلکه درصد گسترش این نگاه به سپهر بین‌ادیان به ویژه ادیان ابراهیمی بودند. «مکتب تشیع» تأکید می‌کند درصد نشان دادن نگاه همدلانه خود با اهل سنت بلکه گفتگو با جهان است. انتشار مکاتبات هانری کربن و علامه طباطبایی درباره مسائل فلسفی نیز در همین راستا دارای اهمیت است (مکتب تشیع، ۱۳۳۹ب: ص ۸۰ - ۱۰۸). به عبارت دیگر در دیدگاه هاشمی، نگاهی

بین‌المذهبی و بین‌الادیانی جاری و ساری است؛ نگاهی که مسئله‌اش تفاهم بین شیعه و سنی و اسلام و دیگر ادیان است؛ امری که باید با توضیح مبانی مذهب تشیع محقق شود. با وجود این هاشمی به خطر مسیحیت تبشیری و نقش آن در برنامه‌های استعمار توجه ویژه داشت (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۴۶: ص ۱۸۸ به بعد). همچنین صهیونیسم و یهودیان همدل با آن از جمله عرصه‌هایی آشتی‌ناپذیر بودند که نخبگان دینی - سیاسی به ویژه هاشمی بر آن تأکید داشتند.

مسئله فلسطین مهم‌ترین محور اتحاد

فلسطین مهم‌ترین مسئله در قاموس وحدت و اتحاد مسلمین است. بحران فلسطین از زمان آغاز همواره از سوی جریان‌های اسلامی و علمای شیعه مورد توجه بوده است. در دوره پهلوی یکی از مسائل نخبگان دینی - سیاسی، بحران فلسطین و حمایت از فلسطین در برابر صهیونیسم بود؛ این مهم در بیانیه‌ها و اعلامیه‌های علما و روحانیون شیعه نمود دارد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز توجه ویژه‌ای به این مسئله داشت. مطالب هاشمی در نشریه «مکتب تشیع» که نخستین تأملات قلمی وی بوده است، بیشتر درباره مسئله فلسطین است: «اسرائیل و فلسطین»، «تغییر مسیر رود اردن یا تجاوز خطرناک صهیونیسم»، «کنفرانس اسلامی مکه» و «آوارگان فقط وطن می‌خواهند». این مطالب بعداً جمع‌آوری شد و در قالب یک کتاب با دو عنوان اسرائیل و فلسطین و سرگذشت فلسطین یا کارنامه استعمار سیاه در چند نوبت انتشار یافت.

«اسرائیل و فلسطین» عنوان یادداشتی از اکبر هاشمی رفسنجانی در خردادماه ۱۳۴۲ در «مکتب تشیع» است که دیدگاه وحدتی و تقریبی او را به روشنی نشان می‌دهد. هاشمی با اتکا به منابع مختلفی از تاریخ باستان و جایگاه بین‌الادیانی فلسطین شروع

و به تداوم بحران آن تا نخستین سال‌های دهه ۱۳۴۰ شمسی می‌رسد. ابتدا تاریخچه‌ای از سرزمین فلسطین را می‌آورد و به جنگ‌ها و نزاع‌های مسلمانان و مسیحیان بر سر این خطه از قلمرو اسلامی در جنگ‌های صلیبی اشاره می‌کند (مکتب تشیع، ۱۳۴۲: ص ۲۱۶ - ۲۲۵). هاشمی در این مقاله ماهیت دولت غاصب صهیونیستی و نقش دولت‌های استعماری در تأسیس آن را نشان می‌دهد. وی تأکید دارد اختلاف در ممالک اسلامی و دوری از معارف اسلامی، سبب تجزیه و در ادامه سقوط دولت‌های اسلامی شد. در ادامه به دسیسه‌های استعماری به ویژه انگلیس و ناراسایی‌های دولت عثمانی در این سرزمین در دوران معاصر می‌پردازد و این دورا عامل و ریشه ایجاد این بحران معرفی می‌کند (مکتب تشیع، ۱۳۴۲: ص ۲۲۷ - ۲۳۰). قرارداد سایکس پیکو، اعلامیه بالفور، مهاجرت یهودیان به فلسطین، انتقال اراضی به شیوه‌های خصمانه از مسلمانان به یهودیان و مقاومت مسلمانان در برابر تجاوزات صهیونیست‌ها از دیگر عرصه‌های مورد توجه هاشمی رفسنجانی در این مقاله بوده است. هاشمی با پرداختن به عرصه‌های دیگر تاریخ معاصر فلسطین نتیجه می‌گیرد مهم‌ترین مسئله جهان اسلام در روزگار مورد نظر، بحران فلسطین است و تأکید می‌کند «مبارزه با اسرائیل وظیفه هر فرد مسلمان و وظیفه هر کسی است که معتقد به عدالت است» (مکتب تشیع، ۱۳۴۲: ص ۲۵۷). در ادامه مقاله ضمن تأیید مبارزه‌های کشورهای عربی علیه اسرائیل، مبارزه منفی مبنی بر تحریم سیاسی و اقتصادی اسرائیل را مسیر مهمی برای کمک به فلسطینیان می‌داند (مکتب تشیع، ۱۳۴۲: ص ۲۵۸). به عبارت دیگر در نظرگاه هاشمی مهم‌ترین مسئله‌ای که باید در دستور کار ملت‌های مسلمان قرار گیرد، سامان دادن به بحران فلسطین است و این عرصه جایگاه ویژه‌ای در وحدت و همسویی و هم‌صدایی مسلمان اعم از شیعه و سنی دارد.

در نگاه هاشمی رفسنجانی سازمان ملل در ایجاد چنین وضعیتی برای فلسطین متهم است. هاشمی در سخنرانی‌های خود در مساجد و محفل‌های مذهبی نیز تأکید می‌کرد «تمام اشخاص و مؤسساتی که دم از صلح و آزادی می‌زنند، دروغ می‌گویند؛ هیچ‌کس به فکر مسلمان نیست» و نمونه بارز آن را تصمیم سازمان ملل متحد دربارهٔ آوارگان فلسطین می‌داند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳: ص ۳۴۳ و ۳۵۵). با وجود این هاشمی برای دست‌یابی به سامانی مطلوب برای حل بحران فلسطین، استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی را دارای اهمیت می‌دید و معتقد بود سازمان ملل برای حل این بحران ظرفیت‌هایی دارد و می‌تواند حقوق فلسطینیان را پاس بدارد (مکتب تشیع، ۱۳۴۳: ص ۶۵ - ۸۳).

در مطلبی دیگر با عنوان «تغییر مسیر رود اردن یا تجاوز خطرناک صهیونیسم» که هاشمی آن را ترجمه کرده است و اطلاعاتیه مطبوعاتی ۲۰ بهمن ۱۳۴۲ سفارت کبرای عراق است، باز بر مسئله فلسطین و همسویی کشورهای عربی و اسلامی برای رهایی قدس شریف تأکید می‌شود (مکتب تشیع، ۱۳۴۳: ص ۲۸۵ - ۳۰۶). هاشمی رفسنجانی در آخرین شماره «مکتب تشیع» به تفصیل به مسئله و بحران فلسطین پرداخته است؛ این بار با مقاله‌ای با عنوان «آوارگان فقط وطن می‌خواهند»، مجدد مسئله و بحران فلسطین را بررسی می‌کند. این مقاله ترجمهٔ سخنرانی اکرم زعیت‌ر در شورای سیاسی سازمان ملل مخصوص رسیدگی به وضع آوارگان فلسطینی است. در این مطلب ضمن اشاره به فشارهای وارد شده بر مسلمانان فلسطین، سازمان ملل برای توجه به شرایط سخت زندگی فلسطینیان به‌ویژه در اردن خطاب قرار گرفته است. در فرازهایی از این متن از نفوذ و تأثیرگذاری نیروهای صهیونیست بر سازمان‌های بین‌المللی گله شده است و از غفلتی که در قبال مردم فلسطین انجام می‌گیرد، شکایت شده است (مکتب تشیع، ۱۳۴۳: ص ۷۱). در پایان نویسنده اظهار می‌دارد مراجعه به فلسطین تنها امید و آرزویی است که بر تمام آوارگان حکومت می‌کند و وجود آنها را قبضه کرده است (مکتب تشیع، ۱۳۴۳: ص ۷۹).

راهبرد صهیونیست‌ها در کنار مهاجرت یهودیان به فلسطین، کوچاندن اجباری فلسطینیان از سرزمین‌شان بود. آواره‌کردن فلسطینیان در زمان‌های مختلف به شیوه‌های متفاوتی رخ می‌داد؛ حمله به روستاها و کشتار مردم، ایجاد جنگ‌های کوتاه مدت تمام عیار و تخریب خانه‌های فلسطینیان از جمله شیوه‌های اسرائیل برای کوچ اجباری و به تعبیری دقیق‌تر آوارگی فلسطینیان است. در این میان جنگ‌های اعراب با اسرائیل بر این آوارگان نیز افزود که بیشتر این آوارگان در لبنان و اردن ساکن شدند. هاشمی رفسنجانی با ترجمه آثار زعیترا^۲ مسائلی از این قبیل را گوشزد می‌کرد.

فلسطین و مبارزه علیه پهلوی

هاشمی خط اهمیت مسئله فلسطین و رویکرد ضد استعماری و ضد صهیونیستی خود را در نشریه «بعثت» نیز ادامه داد.^۳ در این عرصه، ایده و ادبیات هاشمی به شدت عمل‌گرا و در تخاصم با رژیم پهلوی است. این نشریه تأکید دارد «مردم مسلمان ایران به پیروی از روحانیت و مراجع عالی‌قدر با تمام قوا علیه اسرائیل و علیه هم‌پیمانان اسرائیل، مبارزه خواهند کرد و با هم‌دردی نسبت به برادران عرب خود، علیه تجاوزکاران و اشغالگران صهیونیست خواهند جنگید و سرانجام فلسطین عزیز را نجات خواهند داد» (بعثت، ۱۳۸۴: ص ۱۷۴). مسئله فلسطین و مبارزه با اسرائیل چنان برای نشریه «بعثت» اهمیت دارد که نشریه را با شعار «نابود باید اسرائیل، پایگاه تجاوزی امپریالیسم ننگ و نفرت بر هم‌پیمانان اسرائیل» (بعثت، ۱۳۸۴: ص ۱۷۴) به اتمام می‌رساند.

توجه به بحران فلسطین و آگاه‌بخشی درباره آن جزء رویکردهای اولیه و ابتدایی جریان‌های اسلامی، نخبگان دینی - سیاسی و روحانیون نهضتی در ایران عصر پهلوی بود. در حقیقت حساسیت درباره فلسطین از زمان بحران و به طور خاص از زمان اعلام تشکیل رژیم صهیونیستی در فلسطین بیشتر شد و در جنگ‌های اعراب و اسرائیل نیز وجه مضاعفی

به خود گرفت. در کنار این وضعیت اما در حوزه عمومی و اجتماعی اطلاع‌چندانی از وضعیت فلسطینیان و تاریخ این بحران وجود نداشت. بر همین اساس جریان‌های مبارزه اسلامی و نیروهای تأثیرگذار حوزوی، اطلاع‌رسانی از وضعیت این بحران برای مردم را در دستور کار خود قرار دادند و نقش انگلیس و آمریکا در این معرکه نیز هویدا شد.

در کنار این تحلیل‌های مکتوب، اقدام‌های حمایتی از فلسطینیان نیز انجام می‌شد؛ اقدام‌هایی نظیر تجمع‌های اعتراض‌آمیز علیه اسرائیل و در حمایت از فلسطین یا اختصاص شماره حساب بانکی برای جمع‌آوری کمک‌های مالی مردمی. در واقع با عمده‌شدن مبارزه‌های نهضت روحانیون علیه حکومت پهلوی، مسئله فلسطین نیز جایگاه و ضریب مضاعفی پیدا کرد؛ چراکه پهلوی همدل با اسرائیل، انگلیس و آمریکا بود و در چنین وضعیتی مسئله فلسطین افزون بر جایگاه قبلی، به عرصه‌ای برای مبارزه با رژیم پهلوی نیز بدل شد.

به عبارت دیگر مسئله فلسطین به منازعه نیروهای نهضت روحانیت و قدرت در دوره پهلوی بدل شده بود. ساواک هرگونه فعالیت علیه اسرائیل، آمریکا و انگلیس و در حمایت از فلسطین را رصد می‌کرد. کتاب هاشمی درباره فلسطین که ترجمه کتاب اکرم زعیتیر بود، مورد توجه ساواک قرار گرفت و اقدام‌هایی برای ممانعت از انتشار و گسترش آن رخ داد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳: ص ۲۹ - ۴۶ و ۱۲۱). در یکی از همین اسناد تأکید شده است: «با توجه به روابط حسنه فیما بین دولت شاهنشاهی ایران و کشورهای انگلستان و با ایالات متحده آمریکا و همچنین نظریه مؤلف درباره استقلال کشور ایران که آن را ظاهری قید نموده است، ادامه انتشار مفاد کتاب یادشده بالا برخلاف مصالح عالی کشور به نظر می‌رسد» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳: ص ۴۹ و ۱۲۱).

از سوی دیگر مبارزه فلسطینیان علیه اسرائیل، الگوی مبارزه برای روحانیون نهضتی به‌ویژه هاشمی رفسنجانی بودند. هاشمی در سخنرانی خود در مسجد هدایت به تاریخ ۹/۱۱/۹۱

۱۳۴۸ تأکید کرد: «تازه مردم فلسطین فهمیده‌اند که کشورهای عربی منافع آنها را در نظر نمی‌گیرند و به همین جهت مشت‌های خود را گره کرده و اسلحه به دست گرفته‌اند... اصلاً ملت ما تحرک ندارند. چرا در یک مملکت اسلامی باید این همه ظلم وجود داشته باشد، ولی ما عکس‌العمل نشان ندهیم؟» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳: ص ۴۵۵).

تأکید قدرت در دوره پهلوی بر «ملی‌گرایی باستانی» در تضاد با هویت اسلامی، جریان‌های ناسازگار و هویت‌های مقاومت در این دوره را بر آن داشت که رویه‌ای تقابلی با این هویت‌سازی را در پیش گیرند. هاشمی همچنین در نخستین روزهای سال ۱۳۵۰ که برای سفری به رفسنجان رفته بود، در مسجد سقاخانه ضمن شرحی از مبارزه‌های فلسطینیان، نقدی هم به برنامه‌های رژیم پهلوی برای سامان جشن‌های ۲۵۰۰ ساله زد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳: ص ۶۶۳)؛ یعنی مسئله فلسطین و نقد پهلوی راهم زمان مطرح کرد.

عمومی‌کردن مسئله فلسطین

هاشمی رفسنجانی در یکی دیگر از مقالات خود در دوره پهلوی تأکید می‌کند: «قضیه فلسطین یک حادثه اسلامی است نه تنها از این جهت که در یک منطقه اسلامی رخ داده است، بلکه از این رو که جنگ و نزاع فلسطین در حقیقت مبارزه با مقدسات و حیثیت اسلام است؛ اسلامی که متعلق به تمام کسانی است که تنها شهادتین را پذیرفته باشند، این استعمار و صهیونیسم‌اند که در مقابل اسلام صف کشیده‌اند» (مکتب تشیع، ۱۳۴۳: ص ۱۰۷). وی اضافه می‌کند: «شرافت و حیثیت دین اسلام و جامعه امروز و فردای مسلمین و وحدت و اعتبار و آبروی مسلمین حاضر و آینده اسلام مرهون گویاندن اسرائیل و زنده و پرشور نگه داشتن فکر مبارزه و مخالفت با صهیونیسم عمال استعمار است؛ فکری زنده و جاوید که به امید آن بمانیم و در راه آن جان دهیم» (مکتب تشیع، ۱۳۴۳: ص ۱۰۸). به عبارت دیگر هاشمی رفسنجانی تأکید می‌کند باید نهضت اسلامی عمومی ایجاد شود تا صهیونیسم را سرکوب کند.

در دیدگاه هاشمی منازعه اسرائیل و فلسطین، جنگ غرب و اسلام تعبیر شده است (مکتب تشیع، ۱۳۴۳: ص ۱۰۷). وی امیدوار است دل‌های مسلمانان به هم نزدیک شود و در راه دفاع از اسلام و مسلمین دست همکاری بدهند و از تمام امکانات عظیم خود برای پیشبرد اسلام و کوباندن دشمنان استفاده کنند. بنابراین در دیدگاه هاشمی، روزی که مسلمانان جهان بفهمند قضیه فلسطین مخصوص مردم فلسطین یا عرب نیست، بلکه به شرافت و حیثیت و موجودیت تمام مسلمین بستگی دارد، چنان لحظه‌ای روز نابودی اسرائیل و زوال ستاره شوم صهیونیسم است (مکتب تشیع، ۱۳۴۳: ص ۱۱۹).

یکی از راهبردهای نیروهای مذهبی و اساساً جریان‌های مذهبی این بود که ضمن معرفی بحران فلسطین، از اختصاص آن به مسئله‌ای تنها عربی جلوگیری کنند. در واقع تلاش شد مسئله فلسطین، مسئله و بحران جهان اسلام معرفی شود. این موضوع تنها ابزاری رسانه‌ای برای کسب توجه دیگر کشورهای اسلامی نبود، بلکه این امر از فهم دقیق برنامه و راهبرد سیاسی - نظامی اسرائیل در منطقه سرچشمه می‌گرفت. تجربه‌های آینده نشان داد صهیونیست‌ها به اشغال فلسطین بسنده نکردند و دامنه تجاوزات خود را به لبنان و سوریه و حتی اردن نیز کشاندند. اسرائیل با نفوذ سیاسی و فرهنگی در ایران روی دیگری از راهبردهای گسترش نفوذ خود را نشان داد. بنابراین توجه به مسئله فلسطین و قرارداد آن به عنوان بحرانی برای همه جهان اسلام ناشی از شناختی دقیق از راهبرد اسرائیل در این باره بود. هاشمی و دیگر روحانیون نهضتی کشورهای منطقه را به اتحاد و اشتراک مساعی برای مقابله با اسرائیل فراخواندند (مکتب تشیع، ۱۳۴۳: ص ۲۸۳ - ۳۰۵).

مسئله فلسطین برای هاشمی بسیار مهم بود؛ همچنین عناصر امنیتی قدرت به شدت درباره این مسئله حساس شدند. حجم بسیاری از اسناد ساواک پرونده هاشمی رفسنجانی به مسئله دغدغه‌های هاشمی درباره فلسطین اختصاص دارد. به عبارت دیگر ساواک به واسطه ترجمه کتاب اکرم زعیتر به شدت روی او حساس شد. این موضوع از آن رو بود که

در محافل مذهبی و انقلابی به شدت بر روی مطالعه این کتاب تأکید می‌شد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳: ص ۱۸۳). هاشمی حتی در منبرهای خود نیز مسئله مبارزه مسلمانان تاریخه‌کن کردن کفر و یهود را گوشزد می‌کرد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳: ص ۱۸۹ و ۱۹۱). رفسنجانی حتی با گوشزد کردن حمایت‌های یهودیان ایران به اسرائیل اظهار می‌دارد ما نباید بگوییم چرا اینها کمک کردند، بلکه ما هم باید این کار را می‌کردیم (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳: ص ۶۴۵). هاشمی رفسنجانی در پی ایجاد شبکه‌ای بود که هنگام نیاز بتواند از آن بهره‌بردار؛ این شبکه در قم دفتری داشت که اسامی نمایندگی‌ها و همه افرادی که با مرکز رابطه مالی داشتند در آن ثبت می‌شد. نخستین بار برای طرح مسئله فلسطین در سطح وسیع اجتماعی از همین شبکه استفاده شد (حسینیان، ۱۳۹۱: ص ۴۲۹).

برآیند دیدگاه هاشمی در نسبت وحدت اسلامی، مسئله فلسطین و مبارزه

در کنار دیدگاه ضرورت اتحاد مسلمین برای مبارزه با استعمار، آنچه در عمل همسویی و اتفاق نیروهای شیعه و سنی خاصه فلسطینی در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ را فراهم کرد، مبارزه با رژیم پهلوی بود. از آنجاکه رژیم پهلوی مراد عمیقی با اسرائیل داشت، فلسطینیان نیز از این جنبه انگیزه کافی برای همکاری با مبارزان ایرانی و شیعه داشتند.

امام موسی صدر توانسته بود قدرت پهلوی را برای برخی مرادوات سیاسی در لبنان اقناع و حمایت آن را جلب کند. اگر رویه صدر سبب بدبینی گروهی از مبارزان روحانی نظیر شهید محمد منتظری شده بود و عملکرد صدر و ارتباط او با پهلوی را نوعی «محافظه‌کاری» می‌دانستند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ص ۲۷۷)، هاشمی اذعان دارد «تلاش من این بود که زمینه تحمل و پذیرش این شیوه - بر پایه درک شرایط خاص ایشان - فراهم شود و دوستان را قانع کنم که از پوشش ایشان، ما هم به نفع مبارزه می‌توانیم بهره‌مند باشیم. دلیلی ندارد که با نادیده گرفتن پاره‌ای واقعیات و محذورات ایشان، در مقام تحمیل شیوه خودمان به او

باشیم» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ص ۲۷۸). حتی هاشمی در دیدار با امام خمینی (ره) بر این نکته تأکید کرد که نباید صدر طرد شود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ص ۲۸۱). در واقع رفسنجانی چنان وسیع و گسترده به اسلام و مسئله مبارزه می‌نگریست که وجود گروه‌های متنوع و متفاوت فکری و سیاسی را برمی‌تابید. درحقیقت عمل‌گرایی و ضرورت اقدام سیاسی در خط و جهت مبارزه برای او اهمیت مضاعفی داشت؛ حتی عمل‌گرایی کنش سیاسی برای هاشمی رفسنجانی به اندازه‌ای مهم بود که واسطه تلطیف میان قطب‌زاده و بنی صدر نیز باشد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ص ۲۸۴)؛ اگرچه این اقدام نتیجه‌ای نداشت و اختلاف‌های آن دو همواره باقی بود؛ اما هاشمی برای اهداف والاتر حاضر به گفتگو با هر کسی بود. آنچه برای او اهمیت داشت، تلاش برای تأسیس حکومت اسلامی بود. این مسئله و اساساً مبارزه برای تأسیس حکومت اسلامی چنان برای نخبگان دینی - سیاسی به‌ویژه هاشمی عمده شده بود که دیدگاه تقریبی و وحدتی خود را نیز به آن سمت سوق دهند.

در سفر سال ۱۳۵۴ هاشمی به خارج از کشور، سفری هم به هلند می‌کند. وی که درصدد ایجاد پایگاهی برای بچه مسلمان‌ها در آنجا بود، به مرکز اسلامی هلند می‌رود که تحت کنترل و اداره اهل سنت بود. او درحقیقت به دنبال فراهم کردن زمینه استفاده از آنجا برای نیروهای متمایل به خود بود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ص ۲۸۸). هرچند این ایده محقق نشد، نشانه‌ای از توجه هاشمی به مسئله همکاری شیعه و سنی برای مقاصد سیاسی دارد. همچنین مسئله فلسطین در قاموس تقریب و وحدت اسلامی هاشمی چنان مهم بود که در این زمینه نیز وارد عمل شد. وی در سفری که در سال ۱۳۵۴ به خارج از کشور داشت، در لبنان به دیدار امام موسی صدر می‌رود. در همین سفر نیز به اتفاق امام موسی، یاسر عرفات را ملاقات می‌کند. مبارزان فلسطینی به واسطه ترجمه کتاب سرگذشت فلسطین هاشمی را می‌شناختند و این ملاقات زمینه پیوند مشترک و مرآده بیشتر مبارزان فلسطین و حوزه را بیشتر کرد؛ درواقع ایده اتحاد در نظر به اقدام کشیده شد. محور اصلی این دیدار شیوه مبارزه،

سازماندهی و تشکیلات بود و مبارزان فلسطینی تجربه‌های خود را در اختیار هاشمی قرار دادند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ص ۲۷۸). در واقع مشی وی در زمینه مذکور در بردارنده چند وجه از اندیشه هاشمی است. هاشمی نیک می‌دانست که پیامد قدرت، سلطه‌طلبی است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ص ۲۸۹). بنابراین برای مبارزه دامنۀ اتحاد خود را چنان وسیع گرفته بود که از مبارزان سنی و سکولار فلسطینی تا لیبرال‌های شیعی در آن قرار داشتند. در منظومه فکری او مبارزه برای تحقق حکومت اسلامی از چنان درجه و اهمیتی برخوردار بود که چنین کند. در همکاری با این گروه‌ها تا گروه‌هایی نظیر مؤتلفه و فداییان اسلام (یاران امام، ۱۳۷۷: ص ۴۲-۴۱)، هاشمی همواره تأکید داشت کانونی‌ترین مسئله برای اتحاد جوامع اسلامی، مسئله فلسطین است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹: ص ۹۰).

نتیجه

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده درباره ایده‌های هاشمی رفسنجانی درباره تقریب و وحدت اسلامی در دوران پیش از انقلاب اسلامی، می‌توان به این نتایج اشاره کرد: دیدگاه‌های هاشمی برآمده از تفکر و اندیشه اصلاحی شیعه است، البته با این توضیح که تجدید نظرطلبی در آن جایگاهی ندارد. خاطرنشان شد مهم‌ترین مؤلفه این جریان در کنار نقد برخی از تعالیم سنت، قائل بودن به مناسک و شعایر دینی است.

هاشمی رفسنجانی همواره به عناصر تقریبی تاریخ ایران و تشیع نظیر سید جمال‌الدین اسدآبادی تا آیت‌الله بروجردی توجه داشت؛ بنابراین در گام نخست آنچه در نظرگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به طور خاص و دیگر روحانیون نهضتی و نخبگان دینی - سیاسی به طور عام در زمینه وحدت اسلامی مورد نظر بود، توجه به میراث و عملکرد شخصیت‌های تقریبی است. با وجود این هاشمی وحدت و تقریب بین شیعه و سنی را بیش و پیش از هر چیز پروژه‌ای سیاسی می‌دید که باید در مقابل استعمار از آن بهره جست. به عبارت دیگر در اندیشه

و دیدگاه‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی آنچه تقریب و اتحاد میان مسلمانان را ضرورت می‌بخشید، مبارزه با دولت‌های استعمار به ویژه انگلیس و آمریکا بود. در کنار این مسئله، انگیزه‌های دیگری نیز در هاشمی برای پروژه اتحاد ملت‌های اسلامی وجود داشت و آن مسائل مشترک بود. هاشمی معتقد بود جوامع اسلامی مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مشترکی دارند که با همیاری کردن می‌توانند بهتر بر آنها برتری یابند. در این میان هاشمی توجه ویژه‌ای نیز به نقد رویکرد اختلاف‌افکن بین شیعه و سنی داشت؛ همچنین در نظر داشت رویکرد تقریبی و وحدتی خود بین شیعه و سنی را به پیروان ادیان دیگر نیز سرایت دهد. به عبارت دیگر در یک اتفاق بین‌الادیانی مسئله تقریب را نیز بین پیروان ادیان دیگر گسترش دهد و نخستین گام در این مسیر را ارائه گزارش و توصیفی دقیق از تعالیم تشیع می‌دانست.

مهم‌ترین عملکرد هاشمی در مسئله وحدت و اتحاد، تمرکز بر مسئله و بحران فلسطین بود. هاشمی توانست این موضوع را از مسئله‌ای نخبگانی به حوزه عمومی بکشاند و با ارتباطی که با مبارزین فلسطینی برقرار کرد، فصل جدیدی در عملکرد نخبگان دینی - سیاسی در حوزه وحدت و اتحاد اسلامی ایجاد کرد. هاشمی در کنار مبارزه با استعمار در مسئله فلسطین، مبارزه با پهلوی را نیز می‌دید. وی توانسته بود در یک همدلی با مبارزان فلسطینی، آنها را نیز قانع کند که همسویی با مبارزان ایرانی و تربیت آنها برای مقابله با پهلوی، برای مبارزه با اسرائیل است. به عبارت دیگر در کنش مبارزه برای شیعه و سنی، منافع مشترک ترسیم کرده بود.

مهم‌ترین راهبرد نخبگان دینی - سیاسی و به طور خاص هاشمی رفسنجانی برای مقابله با اسرائیل و حل بحران فلسطین، اتحاد جهان اسلام است. اتحاد در این منظر اتفاق بر روی منافع مشترک دینی، فرهنگی و سیاسی برای مقابله با دشمن مشترک بود. توجه به عرصه‌ها و ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک برای حمایت از فلسطین و مقابله با اسرائیل نیز در دستور کار قرار گرفت. در این میان تلاش شد گزارش درستی از تاریخ بحران فلسطین ارائه شود؛ همچنین وضعیت فلسطینیان در شرایط وقت مورد توجه قرار گرفت تا مخاطب

ایرانی از مسئله مورد نظر فهم و شناخت دقیق‌تری کسب کند. در این دوره در کنار دیگر ضرورت‌هایی که در گذشته از سوی نخبگان جهان اسلام برای مسئله وحدت و تقریب بیان شده بود، مسئله‌ای دیگر در صدر مسائل و دغدغه‌های مردم و نخبگان جهان اسلام قرار گرفت؛ چنین رخدادی دوباره مسئله تجاوز دولت‌های غربی به جهان اسلام و استعمار را تداعی کرد. در چنین مختصات‌ی دوباره پروژه مقاومت و اتحاد جهان اسلام این بار با تمرکز بر مسئله فلسطین احیا شد. به عبارت دیگر مسئله فلسطین، هسته اصلی مقاومت جهان اسلام و موضوع اتحاد و تقریب جهان اسلام بوده است. در این دوره مسئله اصلی مبارزه بود؛ همچنین هر آنچه مبارزه با رژیم پهلوی را تسریع می‌بخشید و در راستای آن بود مهم بود و مشروع. رویکرد تقریبی نخبگان دینی - سیاسی به ویژه هاشمی رفسنجانی در این دوره نیز تحت تأثیر این مسئله فهم می‌شود.

بنابراین اندیشه و مؤلفه بنیادی تفکر هاشمی رفسنجانی در دوران پیش از انقلاب اسلامی در حیطه وحدت و تقریب مذاهب، ضرورت حل مشکلات ملت‌های مسلمان و امر مبارزه است. در واقع در قاموس نظری هاشمی آنچه وحدت و تقریب را میان مسلمانان به امری بدیهی و ضروری تبدیل می‌کند، نیازی است که آنان در حل مسائل اجتماعی و سیاسی خود به این مسئله دارند. بدون همیاری مسلمانان، مسائل آنان حل نخواهد شد. هرچه فاصله ملت‌های مسلمان بیشتر باشد، قدرت‌های خارجی سریع‌تر به منافع خود در منطقه دست خواهند یافت، به همان نسبت نیز عکس این مسئله صادق است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مصر به مثابه پایگاه ناسیونالیسم عربی و جمال عبدالناصر در جایگاه رهبر سیاسی و معنوی این جریان در یک رقابت هویتی، فرهنگی و سیاسی با ایران قرار داشت. در این میان رویکرد دوستانه دولت ایران با اسرائیل و تخاصم کشورهای عربی به رهبری مصر با این رژیم اشغالگر، ضریب

- مضاعفی به این تقابل و رویارویی داده بود. البته مناسبات و معادلات بین‌المللی نیز به این تخاصم افزوده بود که توضیح آن در این فرصت اندک نمی‌گنجد.
۲. زعیتر که اصالتی فلسطینی داشت و جزء سیاست‌مداران اردن بود، همواره می‌کوشید مظلومیت فلسطینیان آواره و تخاصم اسرائیل در برابر آنها را گوشزد کند.
۳. نشریه «بعثت»، نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم پس از قیام ۱۵ خرداد بود که با مشی سیاسی و مذهبی با مدیریت حجج اسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی، علی حجتی کرمانی، سیدهادی خسروشاهی و سید محمود دعایی به مدت دو سال (۱۳۴۲ - ۱۳۴۴ ش) در قم منتشر می‌شد. هدف اولیه این نشریه، دفاع از اسلام، روحانیت، مبارزه با رژیم پهلوی و کشورهای استعماری بود.

کتاب‌نامه

- اردوش، محمدحسین امیر (۱۳۹۳ ش)؛ وحدت اسلامی، بیداری اسلامی، مفاهیم و پیشینه؛ قم: نشر ادیان.
- اسعدی، محمود (۱۳۷۶ ش)؛ حماسه اتحاد: آراء متفکران جهان اسلام پیرامون وحدت امت اسلامی؛ [بی‌جا]: [بی‌نا].
- آقانوری، علی (۱۳۸۸ ش)؛ امامان شیعه و وحدت اسلامی؛ قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- بعثت (۱۳۸۴ ق)؛ ش ۹، سال اول، پانزدهم جمادی الاولی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۲ ش)؛ مطبوعات اسلامی: تاریخچه و اخلاق روزنامه‌نگاری؛ قم: مؤسسه اطلاع‌رسانی اسلامی مرجع.
- حسینی، محمدرسول (۱۳۸۸ ش)؛ وحدت اسلامی: مبانی، عرصه‌ها، موانع و راهکارها؛ قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- حسینیان، روح‌الله (۱۳۹۱ ش)؛ بیست سال تکاپوی اسلامی شیعی در ایران ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شاکر سلماسی، مجید (۱۳۹۷ ش)؛ مبانی نظری تقریب مذاهب اسلامی؛ قم: دانشگاه ادیان.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۷۷)؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک؛ جلد سوم، شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی؛ تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

مکتب تشیع (۱۳۳۹ الف)، فروردین.

مکتب تشیع (۱۳۳۹ ب)، اردیبهشت.

مکتب تشیع (۱۳۴۰)، خرداد.

مکتب تشیع (۱۳۴۱)، ادیبهشت.

مکتب تشیع (۱۳۴۲)، خرداد.

مکتب تشیع (۱۳۴۳)، خرداد.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۴۶ ش)؛ امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار؛ تهران: مؤسسه مطبوعاتی فراهانی.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۹ ش)؛ همبستگی امت اسلامی؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶ ش)؛ دوران مبارزه، جلد اول کارنامه و خاطرات ۱۳۱۳ - ۱۳۵۷؛ به

اهتمام محسن هاشمی؛ تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۳ ش)؛ دوران مبارزه؛ به اهتمام محسن هاشمی؛ ج ۲، دفتر نشر معارف انقلاب.

References

Aghanoori, Ali. 1388 Sh. *Imāmān-i Shī'a va vaḥdat-i Islāmī*. Qom: University of Religions and Denominations.

As'adi, Mahmoud. 1376 Sh. *Ḥamāsīh-yi ittiḥād: ārā'-i mutafakkirān-i jahān-i Islām pīrāmūn-i vaḥdat-i ummat-i Islāmī*. N.p.

Bi'that. 1384 AH. 9, no. 1.

Hashemi Rafsanjani, Akbar. 1346 Sh. *Amir Kabir yā qahramān-i mubārīzih bā isti mār*. Tehran: Farahani Press Institute.

Hashemi Rafsanjani, Akbar. 1379 Sh. *Hambastīgī-yi ummat-i Islāmī*. Tehran: The World Forum for Proximity of Islamic Schools of Thought.

Hashemi Rafsanjani, Akbar. 1386 Sh. *Dawrān-i mubārīzih, vol. 1. Kārnamih va khāṭirāt-i*

- 1313-1357. Edited by Mohsen Hashemi. Tehran: Office of Publishing the Teachings of the Revolution.
- Hashemi Rafsanjani, Akbar. 1393 Sh. *Dawrān-i mubārizih*. Edited by Mohsen Hashemi. Vol. 2. Tehran: Office of Publishing the Teachings of the Revolution.
- Hosseini, Mohammad Rasoul. 1388 Sh. *Vahdat-i Islāmī: mabānī, 'arṣih-hā, mavānī, va rāhkārḥā*. Qom: Al-Mustafa International University.
- Hosseinian, Ruhollah. 1391 Sh. *Bīst sāl takāpūyi Islāmī Shī'ī dar Iran 1320 tā 1340*. Tehran: Islamic Revolution Document Center.
- Jafarian, Rasoul. 1382 Sh. *Maṭbū'āt-i Islāmī: tārikhchih va akhlāq-i rūznāmih-nigārī*. Qom: Mu'assisih-yi Ittīlā' rasānī-yi Islāmī-yi Marja'.
- Maktab-i Tashayyu'*. 1339a Sh. April 1960.
- Maktab-i Tashayyu'*. 1339b Sh. May 1960.
- Maktab-i Tashayyu'*. 1340 Sh. June 1961.
- Maktab-i Tashayyu'*. 1341 Sh. May 1962.
- Maktab-i Tashayyu'*. 1342 Sh. June 1963.
- Maktab-i Tashayyu'*. 1343 Sh. June 1964.
- Ordoosh, Mohammad Hossein Amir. 1393 Sh. *Vahdat-i Islāmī, bīdārī-yi Islāmī, mafāhūm va pāshīnih*. Qom: University of Religions and Denominations.
- Shaker Salmasi, Majid. 1397 Sh. *Mabānī-yi nazarī-yi taqrīb-i mazāhib-i Islāmī*. Qom: University of Religions and Denominations.
- The Center of Historical Documents Survey. 1377 Sh. *Yārān-i Imam bih rivāyat-i asnād-i SAVAK, vol. 3. Shahīd Ayatollah Dr. Seyyed Mohammad Hosseini Beheshti*. Tehran: Ministry of Intelligence, the Center of Historical Documents Survey.